

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ نومبر ۲۰۲۲

## استفاده ابزاری از امواج پناهجویان!

(۳)

پنجشنبه - ۱۹ عقرب ۱۴۰۱ - کابل:

**ب - مهاجرت‌های خارجی:** همان طوری که در قسمت قبل دیدیم فقر و گرسنگی برخاسته از قحط سالی و خشک آبی که بر بستر مناسبات فرتوت فئودالی به وجود آمده و باعث جابه جایی کتله های عظیمی از باشندگان تعدادی از ولایات دور دست و فقیر تر از دیگر ولایات به مراکز شهر های نسبتاً بزرگتر شد، وقتی با بی توجهی و بی برنامه‌ریزی شخص شاه و صدر اعظم اخوانی اش "موسی شفیق" مواجه گردید و کمکهای نام نهاد ملل متحد و بقیه سازمانهای خیریه بین المللی نیز در مرداب بیروکراسی شاهی غرق شد، برای ساکنان این کشور هیچ گزینه ای به جز ترک میهن باقی نماند. همزمان با این که میلیونها تن از باشندگان کشور ما به علت بیکاری و گرسنگی و فقر در مسیر بیرون شدن از افغانستان قرار داشتند، دولت ایران تحت حاکمیت شاه جبارش، از طریق استخراج میلیونها بشکه نفت و فروش بیش از ۶ میلیون بشکه نفت روزانه به مثابه دومیین صادر کننده نفت در سطح جهان، پول هنگفتی به دست آورده با تشدید فعالیت های ساختمانی و به گفته خودشان سراسر ایران را از نگاه اعمار ساختمانهای بلند منزل به "نیویارک" مبدل ساختن، درب های کشور شان را بر روی کارگران افغان که در مقایسه با کارگران ایران نه تنها از لحاظ اقتصادی می شود گفت نزدیک به مفت کار می کردند بلکه از لحاظ تحمل، سخت کوشی، بی خبری از حقوق و مزایای کارگری و ... اصلاً با دنیای کارگری آنروز در سطح جهان و منطقه قابل مقایسه نبودند، کشوده در اندک زمان بیش از دو میلیون از نیروی کار ارزان افغانستان را به ایران کشانید.

هنوز جامعه ما از تکانه این مهاجرت اقتصادی بیرون نشده بود که نخست سلطنت گویا به جمهوریت استحاله یافت و به تعقیب آن، فاجعه ثور به وقوع پیوسته، مزدوران روس با تبختر و تکبر غیر قابل تصویری به امر و نهی پرداختند و باعث شدند تا سیل مهاجرت‌های اقتصادی با پناهجویی سیاسی نیز بیامیزد.

آنچه روشن است و می باید در هر نوع مهاجرت به خارج در نظر گرفته شود، یک تفاوت اصولی آن با مهاجرت‌های داخلی است. در مهاجرت‌های داخلی عمدتاً دولتها در قبال چنین جا به جایی هائی برخورد منفعلانه داشته، گاهی هم غافلگیر می گردند، در حالی که در مهاجرت‌های خارجی چه روی انگیزه ها و عوامل اقتصادی باشد یا سیاسی، عمدتاً

کشور میزبان با تدوین برنامه دقیق جهت حصول به اهداف خاص خودش درب کشورش را بر روی صد ها هزار و میلیونها مهاجر و پناهجوی می کشایند و یا می بندند.

این اصل در جابه جایی کتله های نفوسی کشور ما نیز قابل مشاهده بود. یعنی به همان سان که شاه ایران جهت استثمار بیرحمانه کارگران افغان، درب کشورش را بر روی آنها کشود و ضمن استثمار وحشیانه، با گذاشتن نام "تجاوزی" بر آنها و نگه داشتن ساطور اخراج و "رد مرز" را بر گردن آنها آویزان نمود، بعد از فاجعه ثور ۵۷ و تصمیم امپریالیسم غرب، ارتجاع منطقه و چین "دن سیاوپینگ" که افغانستان را به ویتنام شوروی متوفا مبدل سازند، همه شاهدیم که پاکستان علی رغم مشکل بیکاری و فقر در کشور خودش، دروازه ها را بر روی افغانهای پناهجو و فراری از ظلم و کشتار نوکران روس و بعدتر خود روسها باز نمودند.

این سیاست زمانی به یک فاجعه انسانی انجامید که از یک سو دولت پاکستان به خاطر تحقق اهداف خاص خودش از جمله تقویت نوکران زرخریدش در وجود باند های اسلام سیاسی از "گلبدین و ربانی" گرفته تا "مجددی" و بقیه و همچنان سوءاستفاده از نام پناهجویان افغانستان و غارت میلیارد ها دالر سرازیر شده از آن بابت، کمپ های مهاجران را در سراسر پاکستان به وجود آورد و با دادن غذای بخور و نمیر تعداد پناهجویان را در اسرع وقت به بیش از ۳ میلیون تن رسانید؛ و از سوی دیگر نوکران روس و نیروهای اشغالگر شوروی برای پیروزی در جنگ علیه ملت افغانستان، سیاست زمین های سوخته را پیش گرفته تلاش نمودند تا امواج پناهجویان به خارج را بیشتر و بیشتر بسازند. از این زمان به بعد است که استفاده ابزاری از پناهجویان در رأس سیاست های کشور های امپریالیستی غرب و نوکران منطقه ئی آنها مانند پاکستان قرار گرفت. یعنی به همان سان که دولتهای غربی به خصوص امریکا خلاف سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۰ که به اساس گفته های شاهدان عینی نمایندگان سفارت امریکا در پشاور در "نیوگرن هتل" واقع "صدر بازار پشاور" با پاسپورت و ویزه امریکا، آن اتباع افغانی را می پالیدند که خواهان رفتن به امریکا باشند و همچنان متحدان اروپائی آنها به محض ورود یک افغان به یکی از میدانهای هوایی آن کشورها، چنان از پناهجوی افغان پذیرائی می نمودند که چیزی نمانده بود فرش قرمز هم سر راه شان پهن کنند؛ با سخت گیری ها و برخورد های خشن با سیل پناهجویان افغان که واقعاً از "بد حادثه" به غرب پناهنده شده بودند و به هیچ قیمتی حاضر نبودند تا ابزار دست امپریالیسم و ارتجاع هار منطقه بگردند، نه تنها چهره واقعی خودشان را نمایان ساختند بلکه ماهیت و محتوای سیاست دفاع از پناهندگان از موضع غربی ها را نیز آشکار نمودند.

از آن زمان زمان به بعد است که به موازات فراز و نشیب در سیاست های دول غربی در قبال قضیه افغانستان، حمایت و یا عدم حمایت آنها از حاکمیت های مستقر در افغانستان، برخورد کشور های غربی و نوکران آنها از قماش پاکستان در قبال پناهجویان افغانستان دستخوش همان فراز و نشیب ها شده، گاهی آنها را تحمل و اکثراً با برخورد زشت و ضد انسانی حتا وادار به بازگشت به کام مرگ در افغانستان نیز ساخته اند.

و اما به ارتباط برخورد کنونی دولتها با پناهجویان افغان، از فرستادن طیاره و ویزا تا اخراج قهری عده ای از آنها و همچنین در زندان افگندنها به وسیله نیروهای امنیتی پاکستان، ایران، ترکیه و هند داستان دیگریست که در قسمت بعدی این مختصر خواهیم دید.

ادامه دارد

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**